| تاریخ دریافت:۱۴۰۰/۰۹/۲۱ | تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۱۱/۱۸ |

حکمت عملی در مصیبت‌نامه عطار نیشابوری با تأکید بر اخلاق

محسن احمدی*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

d.ahmadimohsen@gmail.com

مهدی شریفیان

نویسنده مسئول، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

m.sharifian@basu.ac.ir

چکیده

حکمت در جهان‌بینی اسلامی، عصاره خرد و روشن‌بینی ضمیر حکیمی است که شایستگی راهبری و هدایت انسان‌ها را دارد. حکمت عملی، شاخه‌ای از حکمت و ناظر به کنش و اعمال و رفتار انسان است؛ چه در ارتباط با خدا و چه ارتباط با خود و چه ارتباط با دیگران. حکمت عملی درحقیقت رهنامهٔ زیست انسانی در دنیاست؛ بنابراین، واکاوی و موشکافی ابعاد آن از دیدگاه‌های مختلف اهمیت زیادی دارد. عطار نیشابوری، عارف و حکیم برجستهٔ ایرانی قرن ششم، ازجمله کسانی است که واکاوی ابعاد حکمت عملی در اندیشهٔ او می‌تواند به غنای تحقیقات علمی‌ـفرهنگ ایرانی بیفزاید. در مقالهٔ پیشِ رو، تلاش شده است حکایات موجود در کتاب مصیبت‌نامهٔ عطار، به روش تحلیل مضمون تبیین و تحلیل شود. این مقاله درپی پاسخ به این پرسش کلی بوده است که شاخص‌ترین و مهم‌ترین مضامین حکمت عملی در اندیشهٔ عطار، چه مواردی است و جهان‌بینی عطار در حوزهٔ تدبیر امور فردی و اجتماعی چگونه است؟ عطار به‌عنوان یک اندیشمند عارف، در حوزهٔ تربیت فردی و تربیت سامان سیاسی و اجتماعی زندگی انسان دیدگاه‌های بسیار مهمی دارد. برای تبیین این اندیشه‌ها نخست، کل حکایات

* https://orcid.org/0000-0002-5254-0346

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

مصیبت‌نامه کدگذاری و دسته‌بندی محتوایی شدند که نتیجه‌ای چنین به‌دست آمد: در این کتاب مجموعاً ۳۷۲ حکایت نقل شـــده است که در بررسی‌های ما، ۱۲۷ حکایت در بخش اخلاق، ۳۷ حکایت در بخش سیاســـت مدن و بقیهٔ حکایات به عناویـــن متفرقه (غیرمرتبط با تحقیق حاضر) کدگذاری شـــده‌اند. اخلاق در میان ســـه بخش دیگر، بیشـــترین حکایات مرتبط با این پژوهـــش را به خود اختصاص داده اســـت؛ هم بدان دلیل که اخلاق پایه و مایهٔ تدبیر منزل و سیاست مدن است، یعنی تداوم آن‌ها به تقویت اخلاق اســـت و هم بدان دلیل که عطار عارف اســـت و عرفان، زیســـتی اخلاق‌محور را تجویز می کند. ۱۲۷ حکایت در حوزهٔ اخلاق دســـته‌بندی شده است که خود آن ذیل ســـه فصل چهارچوب‌بندی شده است: ۱. ارتباط با خدا، ۲. ارتباط با دیگران، ۳. ارتباط با خود. حکایات عطار دربارهٔ تدبیر منزل، نتیجهٔ مهمی به‌دســـت نمی‌دهد؛ بنابراین، می‌توان گفـــت که لااقل در این کتاب، حوزهٔ تدبیر منزل برای عطار اهمیت زیادی نداشـــته اســـت. در حوزهٔ تدبیر امور سیاسی و حکمرانی، عطار چهار شاخصهٔ مهم را برای حاکم جامعهٔ اسلامی واجب می‌شـــمارد که عبارت‌اند از: ۱. عدالت‌ورزی، ۲. ساده‌زیستی، ۳. بخشش و بخشـــودگی، ۴. نصیحت‌پذیری. عطار در حوزهٔ سیاست مدن، هم در مقام یک حکیم، تجویزهای سیاسی دارد و هم خود به‌عنوان یک کنشگر سیاسی-اجتماعی، تندترین انتقادات را متوجه حکومت‌های زمانهٔ خود می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حکمت، حکمت عملی، اخلاق، سیاست مدن، عطار.

مقدمه

در جهان‌بینی اســـلامی، انسان بدان ســـبب پای به این کرهٔ خاکی نهاده است تا با عبودیت خداوند متعال، ظرفیت‌های درونی خود را شـــکوفا و ســـعادت ابدی را برای خـــود تضمین کند. تحقق این امر جز با ارشـــاد و راهنمایی انبیای الهی، ائمهٔ هدی و راهروان راستین این راه مقدور نیست. سپهر حیات انســـانی ما اعم از حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی نیازمند راهنمایی و راهبری کســـانی است که به نور الهی حقیقت متصل‌اند. حکمت، که خود منقسم به نظری و عملی است، سرمایه و گوهر گران‌بهای فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی است. بازشناسی ابعاد این سرمایهٔ نفیس در اندیشهٔ نخبگان و فرهیختگان این مرز و بوم در پهنهٔ تاریخ وظیفهٔ ذاتی پژوهشـــگرانی اســـت که دل در گرو اعتلای فرهنگ ایران‌زمین دارند. تنها با چراغ انداختن به گذشـــتهٔ پرافتخار این مرزو بوم اســـت که

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

می‌توان آینده‌ای درخشـــان برای آن رقم زد و این نور تاباندن به گوهرهای درخشـــان فرهنگ ایرانی، بیش از همه به عهدهٔ رشـــتهٔ زبان و ادبیات فارسی اســـت که درحقیقت عصارهٔ جان فرهنگ ایرانی اســـت. اکنون که نظریه‌هـــا و دیدگاه‌های زیادی در حوزهٔ تربیت فردی و اجتماعی جوامع انســـانی در حال برهم‌کنش هســـتند، لازم است ما به ذخایر اندیشـــه‌ای و گفتمانی خودمان در سنت فکری تاریخی خویش بازگردیم و با واکاوی ابعاد فکری اندیشـــمندان ایران اسلامی، به پربارتر شدن این فضای نقد و بررســـی کمک کنیم. تبیین دیدگاه‌های عارفانی که بســـیاری از حقایق عالم را با چشم باطـــن دیده‌اند، در حوزه‌های تربیت فردی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی‌های مدیریتی کشـــور و نیز شناخت ظرفیت‌های متعالی گذشته بسیار راهگشا خواهد بود.

عطار به‌عنوان یک عارف و حکیم مســـلمان، از مهم‌ترین نخبگان و اندیشمندانی است که باید دقت نظرهای حکمی او در موضوعات مختلف تبیین و تحلیل شود. حکمت مقوله‌ای است که در پهنهٔ تاریخ همواره مورد توجه اندیشـــمندان مختلف بوده است. ماهیت کلی آن حرکت مطابق عقل و خرد است و تشـــخیص درست از نادرست؛ اما با توجه به اختلاف اندیشه‌ها و تنوع جهان‌بینی‌ها در افراد گوناگون، تعاریف گوناگونی هم از آن شـــده است. فارابی معتقد است که حکمت از اقسام علوم نظری است که انسان به‌واسطهٔ آن می‌تواند حقایق عالم را فهم کند و برای استکمال نفس خود از این شناخت بهره ببرد (شریفی و دیگران به نقل از فارابی، بی‌تا: ص ۱). ازنظر خواجه نصیرالدین طوســـی، «حکمت در عرف اهل معرفت عبارت بود از دانستن چیزها، چنان‌که باشد و قیام‌کردن به کارها چنان‌که باید به‌قدر استطاعت، تا نفس انسانی به کمال که متوجه آن است برسد و چون چنین بود، حکمت به دو قسم منقسم شود؛ یکی علم و دیگری عمل. علم (حکمت نظری): تصور حقایق موجودات بود و تصدیق به احکام. لواحق آن، چنان‌که فی نفس‌الامر باشد، به قدرت قوت انسانی؛ و عمل (حکمت عملی): ممارســـت حرکات و مزاولت صناعات از جهت اخراج آن» (طوســـی، بی‌تا: ص ۶).

اگرچه حکمت عملی در حیطهٔ فلســـفه است، ازآنجاکه محور آن بر خیر اخلاقی در سه حوزهٔ فردی، اجتماعی و سیاسی است، شـــاعران و نویسندگان در متون نظم و نثر به آن روی آورده‌اند. به همین دلیل، یکی از پایه‌های ادب فارسی به‌حساب می‌آید که درمجموع، در قلمرو ادبیات تعلیمی و ادبیات عرفانی به آن پرداخته می‌شـــود. عطار یکی از نظریه‌پردازان اصلی عرفان اســـلامی بود که به نقش عمل اجتماعی و اهمیت آن در ســـلوک عرفانی پرداخت. عطار به‌عنوان یکی از نمایندگان عرفان اســـلامی، بر تأثیر متقابل علم و عمل در تربیت ســـالکان و قبول وظایف اجتماعی ازسوی سالک به‌عنوان مقدمه و شرط اساسی در گام نهادن به وادی سیر الی الله، همواره توجه ویژه داشت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

در این نوشتار برآنیم تا با نقد و بررسی سخنان صاحب‌نظران عرفان و به‌ویژه آثار و اندیشه‌های عطار نیشـــابوری، به‌عنوان یکی از ارکان عرفان اســـلامی، به اثبات این موضـــوع بپردازیم که آن بخش از تصوف اسلامی که شامل عرفان عملی و سخن از روابط و وظایف انسان با جهان پیرامون و اجتماع خویش است، دارای نگاهی جامع در حوزهٔ تدبیر اجتماع و سیاست مدن است که بخش اعظمی از علم «سیر و سلوک عرفانی» را شامل می‌شود. به تعبیری دیگر، ساخت انسان کامل و آرمانی از نگاه عطار شامل ساخت شخصیت اجتماعی سالک نیز می‌شود که این امر مستلزم طرح و بیان جایگاه و نحوهٔ مدیریت اجتماعی وی در جامعهٔ خویش اســـت. هرچند ممکن اســـت که در تبیین ماهیّت قواعد و تدابیر اجتماعی و سیاســـت مدن، اشتراکات یا اختلافاتی بین عرفای اسلامی مطرح باشد، این مسئله به وجود یک طرح اجتماعی کلی در عرفان اسلامی، خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

روش استفاده‌شده در این پژوهش، روش تحلیل مضمون است که ذیل روش‌های کیفی تحلیل متون دســـته‌بندی می‌شود. تحلیل مضمون، روشـــی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی اســـت. این روش، فراینـــدی برای تحلیل داده‌های متنی است. در این روش داده‌های متنی پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌شود.

رویکرد نظری

پیشـــینهٔ بحث تقسیم‌بندی علوم به نظری و عملی را مانند دیگر مباحث بنیادین، باید در یونان قدیم جســـت‌وجو کرد. افلاطون و ارسطو نخستین اندیشمندانی هســـتند که می‌توان این‌گونه مباحث را در اندیشـــهٔ آن‌ها رهگیری کـــرد. افلاطون کار عقل را در قالب نظریهٔ سه‌بخشـــی خود دربارهٔ نفس تبیین می‌کند. هر بخشـــی از روح یا نفس یعنی عاطفه، عقل و شـــهوت علقه‌های متناسب خود را دارنـــد که عبارت‌انـــد از: علاقه به مال، مقام و حکمت. باوجود ایـــن، بخش عقلانی نفس توانایی قضاوت و ســـنجش علایق متناقض را دارد؛ چون قادر است چگونگی ارضای هر یک از این علایق را بازشناســـد. ارســـطو از حکمت به‌مثابه فضیلت و امتیاز بخش عقلانـــی نفس یعنی عقل یا ذهن سخن می‌گوید (لگنهاوزن، ۱۳۷۳: ص ۱۰). فارابی به‌جای علم عملی و اقسام سه‌گانهٔ آن، از «علم مدنی» بحث می‌کند. این معنی را نباید حمل بر غفلت فارابی از علم اخلاق و علم تدبیر منزل کرد؛ زیرا او علم اخلاق را که مصروف فحص سعادت است، جزئی از علم مدنی قرار داده و چون معتقد بوده است که ســـعادت در مدینهٔ فاضله متحقق می‌شود، نمی‌توانسته است، اخلاق را علم مستقل بداند. علم تدبیر منزل هم منحل در علم مدنی است (داوری اردکانی، ۱۳۵۴: ص ۲۰). از دیدگاه بوعلی‌ســـینا، حکمت عملی شامل اخلاق نیک و بد و استنباط صناعت است. عقل نظری آن است

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

که ادراک معانی و صور عقلی از آن حاصل می‌شـود و برای درک کلیات اسـت (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ص ۲۴). در حکمت اشـراق، میان عمل و نظر نوعی دیالکتیک وجود دارد. درواقع، این به معنای وابسـتگی بین عمل و نظر بوده و اینکه تقویت هر یک از عمل و نظر، سبب تقویت دیگری می‌شود (سـهروردی، ۱۳۷۵: ج۳: ص ۴۱۷). حکمت عملی در اندیشهٔ ملاصدرا دربر گیرندهٔ دانش‌هایی اسـت که دربارهٔ افعال اختیاری انسـان و اینکه کدام عمل، شایسـتهٔ تحقق و کدام‌یک سزاوار ترک است، سخن می‌گوید (اکبریان، ۱۳۸۰: صص ۵۴-۴۴).

کتاب‌ها و مقالات بسـیاری درمورد جنبه‌های مختلف نظام اندیشـه‌ای عطار نگاشـته شـده اسـت؛ دریای جان هلموت ریتر (۱۳۳۴)، مقدمه‌های بسیار علمی شفیعی کدکنی بر آثار عطار، سـیمای جامعه در آثـار عطار (۱۳۸۲)، مقالـهٔ «حکمت دیوانگان در مثنوی‌های عطار» نوشـتهٔ نصراللـه پورجوادی (۱۳۷۱) و انبوهی مقاله به‌تبع از مقالهٔ پورجـوادی و با همین موضوع و مقالهٔ «مصیبت‌نامهٔ عطار نیشـابوری؛ آمیزه‌ای از اخلاق عملی و عرفان» نوشتهٔ پروین رضایی (۱۳۹۹) مهم‌ترین منابعی است که تاحدی می‌تواند پیشـینهٔ این پژوهش به‌حساب آید. موارد یادشده به‌جز مقالهٔ رضایی، مسـتقیماً به دنبال بررسـی ابعاد مختلف حکمت در اندیشهٔ عطار نبوده‌اند؛ گرچه اغلب نکات مفیدی درمورد اخلاق یا سیاست در اندیشهٔ عطار در آن‌ها دیده می‌شود. مقالهٔ رضایی نیـز اولاً، روش پژوهش خود را تبیین نکرده اسـت و دوماً، جامع حکایات مصیبت‌نامه نیسـت. برخلاف عنوان مقاله، پرداختن بخش زیادی از مقاله به حکمت نظری نیز در مصیبت‌نامه، شـاید از آن جهت بوده که نویسـنده نتوانسـته یا نخواسـته همهٔ حکایات کتاب را تحلیل و بررسی کند و تنها به برخی حکایات پرداخته اسـت. این پژوهش اولاً، کل کتاب مصیبت‌نامه را تحلیل مضمون کرده است و ثانیاً، روش پژوهش مشخص و دقیق است. تحلیل‌های حاصل‌آمده، کاملاً متفاوت از دیگران است. درصدبندی اهمیت زیربخش‌های مختلف حکمت در اندیشهٔ عطار مزیت دیگر آن است که دیگران بدان نپرداخته‌اند.

بحث

حکمت عملی در اندیشه و بیان عطار، متأثر از مسلک عرفانی اوست. عرفان ایرانی برخلاف آنچه در تصور اسـت، بی‌ارتباط با جامعه و حتی حکمرانی جوامع نبوده اسـت. ساخت و تربیت انسان کامل و آرمانی در اندیشه‌های عرفانی و به‌ویژه عرفان نظام‌مند خانقاه‌های دوران تمدن اسلامی، در قالب ارتباط سـالک و پیر یا مراد و مرید مطرح شـد. در این نگاه که برگرفته از آموزه‌های اسلامی بود، هدف آمدن نوع بشـر در جهان ماده، طی مسیر تکامل روحی از طریق جدال با بُعد جسمانی،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

با پیروی از الگوی حقیقی که پیامبر اســلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) باشد، مطرح می‌شود؛ اما ایــن تقابل بین بعد مــادی و معنوی آدمی در عرفان به معنای انــزوا، رهبانیت و کناره‌گیری از ابعاد اجتماعی یا جسمانی نیست؛ بلکه بیان نحوهٔ چگونگی بهره‌مندی و مدیریت ابعاد جسمانی (فردی و اجتماعی) و قراردادن امکانات مادی در خدمت تکامل و تعالی روحی بشــر اســت. در ادامه به بررسی سه مؤلفهٔ اصلی حکمت عملی در مصیبت‌نامه پرداخته می‌شود.

اخلاق

علم اخلاق به بایدها و نبایدها و شایســت‌ها و نشایست‌های فردی و اجتماعی می‌پردازد. مباحث نفس‌شناســی کــه اذهان حکیمان و عرفا را در طول تاریخ به خود مشــغول کــرده، مقدمهٔ ورود به همین بحث اخلاق است. ذیل مبحث اخلاق می‌توان وظایف و مسئولیت‌های انسان را در برابر سه وضعیت بررســی کرد: ۱. رابطهٔ انسان با خودش، ۲. رابطهٔ انسان با خالق خودش و ۳. رابطهٔ انسان با مخلوقات دیگر. عرفان اسلامی برای این سه حوزه دیدگاه‌های درخشانی دارد که فارغ از شریعت اســلام، به‌عنوان عالی‌ترین نمودهای حقوق انســانی قابل تبیین است. عطار که تربیت‌شدهٔ مکتب عرفان اسلامی است، تبیین‌گر بخشی از این منظومه است.

از میان ۱۲۷ حکایتی که در این پژوهش ذیل اخلاق کدگذاری شده است، ۳۶ حکایت به رابطهٔ انســان با خداوندگارش مربوط می‌شود. عطار معتقد است سختی‌ها و مشکلاتی که خداوند بر سر راه بندگان خویش قرار می‌دهد برای امتحان او و از ســر لطف و عنایتش به بنده اســت تا انسان از این طریق، مسیر رشد و سعادت خود را پی بگیرد. او دائماً دستگیر بندهٔ خویش است. موفق بیرون آمدن از دل این ســختی‌ها و موانع است که انســان را به عبودیت و بندگی که هدف خلقت است، می‌رســاند. میزان توفیق در این مسیر به میزان ظرفیت‌سازی خود فرد برمی‌گردد؛ هرکه بامش بیش، برفش بیشتر. به میزانی که انسان در خویش ظرفیت و تشنگی ایجاد کند، خدای متعال او را سیراب خواهد کرد. شــرط بخشش‌های علی‌الدوام خداوند، ایجاد ظرفیت درونی بنده است. عطار معتقد اســت عبادات باید باعث سرزنده‌شدن افراد شود و عباداتیص که رنگ عادات دارند، از حقیقت به دور افتاده‌اند و در انســان ظرفیت تازه‌ای ایجاد نمی‌کنند. او معتقد اســت انسان هرجای این مسیر دچار لغزش شــد، باید امیدوارانه توبه کند و بازگردد. انســان باید بدانــد که رزق و روزی او در ید خداست و تنها باید روزی‌اش را از او بخواهد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

جدول ۱. شبکهٔ مضامین اخلاق در حکایات مصیبت‌نامه

ردیف	کلان مضمون	مضمون	زیرمضمون	مقاله / حکایت
۱	رابطه با خدا	امتحان	سختی‌دادن به بنده از روی کرم و لطف است.	۴/۲ تا ۷/۲ ـ ۱/۱ ـ ۳/۳ ـ ۶/۳۱ ـ ۷/۳۱
۲		عبودیت	عبودیت بالاترین دارایی است.	از ۲/۳۳ تا ۶/۳۳ و ۷/۳۳
۳		عبودیت	عبادت از سر عادت، تهی از حقیقت است.	۰۷ـ أغسطس
۳		ظرفیت‌سازی	ظرفیت داشتن شرط بخشیدن است.	۸/۱۰ ـ ۹/۱۰ـ ۱/۱۴ ـ ۲/۱۴
۴		توکل	خدا بهترین پاداش‌ها را می‌دهد.	۱۶/۰۰ ـ ۲/۱۶
		توکل	روزی را باید از خدا خواست.	۱۱/۲۱ ـ ۱۲/۲۱ ـ ۳/۲۶ ـ ۶/۲۹ ـ ۷/۲۹ ـ ۲/۳۴
۵		جبر و اختیار	انسان نه آزاد و نه مجبور مطلق است.	از ۴/۲۳ تا ۷/۲۳
		جبر و اختیار	حکم و اختیار دست خداست.	از ۸/۲۳ تا ۱۲/۲۳ و ۱/۲
۶		توبه	توبه انسان را پاک می‌کند.	۵/۳۴
۷		فقر	انسان فقیر مطلق است.	۱/۳۵ ـ ۲/۳۵ ـ ۵/۱۷ ـ ۶/۱۷
			به قدر سوزنی هم محبت دارایی‌هایت در دلت مانده باشد، به حقیقت ره نمی‌بری.	
۸	ارتباط با خود	تمام‌بودگی	انسان باید در حرفه‌اش تمام باشد.	۲/۹ ـ ۳/۹
			باید نهایت جد و جهد را در پیشهٔ خود داشت.	
۹		عاقبت‌نگری	نباید عمر به غفلت گذراند.	۲/۲۱ ـ ۷/۲۱ ـ ۳/۲۵ ـ ۴/۲۵
			نباید دلبستهٔ صورت‌ها شد.	
			هرچه در دنیا درپی آن بوده‌ای تا ابد درپی همانی.	
۱۰		قناعت	باید به حداقل‌ها اکتفا کرد.	۲/۲۴ ـ ۴/۲۴ ـ ۱/۲۵ ـ ۵/۲۴
			وابستگی به دنیا دین به دنیا فروختن است.	
			احتیاجات انسان با مردم روزگار برآورده نمی‌شود.	
۱۱		هوس‌ستیزی	عبادت از سر ریا و هوای نفس دین به دنیا فروختن است.	۵/۲۵ ـ ۶/۲۵
			خواهش‌های نفسانی را باید قطع کرد تا شیطان نتواند از آن‌ها علیه ما استفاده کند.	

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

۱۲		سختی‌کشیدن	تحمل مشـقات و سـختی‌ها انسان را به فضایل می‌رساند.	۱/۴۰
۱۳		خموشی	خاموشی گزیدن از زیادت عقل است.	از ۵/۰۰ تا ۸/۰۰
			لازمهٔ رازداری سکوت و خاموشی است.	
			خاموشی گزیدن پشیمانی ندارد.	
			بایسته‌ترین زندانی، زبان در دهان است.	
۱۴	ارتباط با خود	بی‌مهری به دنیا	عاقبت دنیا مرگ است.	از ۱/۴ تا ۱۲/۴
			دنیـای فانـی به سـتم‌کردن بـه دیگران نمی‌ارزد.	از ۱/۱۱ تا ۱۰/۱۱
			دنیا زندان است.	از ۳/۱۶ تا ۹/۱۶
			دل‌مشـغول کردن به دنیا هدر دادن عمر است.	از ۱/۱۷ تا ۴/۱۷
			دنیا شایستهٔ دلبستگی نیست. چیزی در این دنیا پایدار نیست. دنیا مزرعهٔ آخرت است. از سر دنیا باید گذشت.	۵/۱۸ ـ ۱/۲۱ ـ ۴/۲۱ ـ ۵/۲۱ ـ ۸/۲۱ ـ ۹/۲۱ ـ ۱/۲۵ ـ ۲/۲۵ ـ ۲/۲۹ ـ ۴/۲۹ ـ ۳/۲۹ ـ ۵/۲۹
۱۵	ارتباط با دیگران	عزت‌نفس	نباید رهین منت دیگران بود.	۱۱/۰ ـ ۱۲/۰
۱۶		بردباری	تحمل و مدارا زیبندهٔ مؤمن است.	۳/۱۸ ـ ۴/۱۸
۱۷		حفظ کرامت نفس	انسان اشرف مخلوقات است.	۷/۱۹ ـ ۸/۱۹
			حرمت مؤمن از کعبه بالاتر است.	
۱۸		حفظ حرمت دیگران	حرمت مردان خدا را باید نگه داشت.	۸/۲۹
۱۹		حسن‌ظن	نباید عیب‌بین بود.	۱/۳۴
۲۰		شفقت و رحمت داشتن	باید شفقت و رحمت داشت.	۳/۳۴ ـ ۷/۳۴ ـ ۶/۳۴
			بخشش باید بدون چشمداشت باشد.	۳/۳۵ ـ ۳/۳۴ ـ ۲/۳۶ ـ ۱/۸
۲۱		تواضع	نباید نسبت‌به دیگران غرور داشت.	۸/۳۶ ـ ۹/۳۶

از میان ۱۲۷ حکایتی که ذیل اخلاق کدگذاری شده‌اند، ۷۵ حکایت مربوط به ارتباط انسان با خود است. همان‌گونه که در جدول ۱ آمده است، عطار معتقد است که انسان فقیر مطلق است. او چیزی از خود در این دنیا ندارد و هرچه هسـت، برای امتحان او فراهم شـده است. او معتقد است که انسـان نباید عمر خود را به غفلت و بی‌خبری بگذراند. انسـان بی‌هدف به این دنیا نیامده است و همواره باید با نگاه به عاقبت خویش، به دنبال مطلوب‌های متعالی باشـد. قناعت به حداقل‌های

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

دنیا و دلبسته و وابسته نشدن به زخارف آن لازمهٔ رسیدن به فضایل است. نمی‌توان هم غرق در دنیا بود و هم درعین‌حال دلبستهٔ آن نبود. صورت‌های دنیا جملگی ناپایدار و فریبنده هستند و شایستهٔ دلبستگی نیستند. باید از صورت‌های زخارف دنیا گذشت تا به جمال حقیقت دست پیدا کرد. گذشتن از این صورت‌ها با سختی کشیدن و مبارزه به هوای نفس ممکن خواهد بود. هوای نفس انسان را به سمت لذت‌گرایی دنیایی سوق می‌دهد و همتی بلند می‌بایست تا با تحمل مشقات زودگذر دنیایی به لذت‌های پایدار دست یافت. غره‌شدن به داشته‌های دنیایی انسان را سمت تنزل می‌کشاند و او را عاقبت به شر می‌کند. همچنین، عطار معتقد است خموش‌بودن و خاموشی‌گزیدن نشانهٔ فراوانی عقل آدمی است و هرچه انسان بتواند زبان را در حصار دهان نگه دارد، امان بیشتری خواهد داشت.

بخش زیادی از حکایات این بخش (۴۳ حکایت) تحذیرهای عطار درمورد دنیاست. گرچه عطار معتقد است دنیا مزرعهٔ آخرت است و باید هوشمندانه در آن کسب روزی قیامت کرد، شدیداً انسان را از غرق‌شدن در لذت‌های آن پرهیز می‌دهد. او معتقد است دنیا در کمین انسان نشسته و همواره مترصد فریفته‌کردن اوست. انسان باید آگاه باشد که لذت‌های دنیا ناپایدار است و آنچه نامانندنی است، ارزش دلبستگی ندارد. او معتقد است باید از سر دنیا متکبرانه گذشت و دامن به زخارف آن آلوده نکرد. درحقیقت دنیا برای انسان مؤمن همچون زندانی است که لحظه‌لحظهٔ آن به امید رهایی می‌گذرد.

شعر عطار آینهٔ روزگار اوست. محیط پر از خشونتی که عطار در آن زیسته است، اقتضای آن را نداشته است که چون برخی هم‌طرازانش به لب جوی بنشیند و گذر عمر ببیند و از زیبایی‌های دنیا لذت ببرد. توصیه به «بی‌مهری به دنیا» مضمون اصلی این بخش از دیدگاه‌های عطار است. کشت‌وکشتار غزها و خشونت اجتماعی حاصل از آن، دنیا را در چشم عطار بی‌ارزش و دل‌نابستنی کرده است. ازنظر او، مشغول شدن به دنیا هدر دادن عمر است؛ چراکه دنیا زندان انسان است و عطای زندان را باید به لقایش بخشید.

سیاست مدن

سیاست مدن دانش تدبیر مصالح و منافع حیات اجتماعی و مدنی انسان برای رسیدن به کمال غایی و سعادت دنیوی و اخروی است. بنابر طبقه‌بندی علوم، سیاست مدن از اقسام یا به تعبیر دقیق‌تر، از اجزای حکمت و فلسفهٔ عملی است. علوم زیرمجموعهٔ حکمت عملی، یعنی اخلاق (تدبیر و تهذیب نفس)، تدبیر منزل و سیاست مدن، به شناخت و تدبیر امور و پدیده‌هایی می‌پردازد که

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

پیدایش آن‌ها یا به فعل و رفتار انسان بستگی دارد یا پدید آمدن و چگونگی فعل و رفتار انسان بسته به آن‌هاست. غایت این علوم (شعب حکمت عملی) کسب فضیلت و خیر و رسیدن انسان به کمال نهایی و سعادت غایی است (فنا، ۱۳۹۷: ص ۴۱۳). در جدول زیر، مفاهیمی که بیشترین تکرار را در مضامین حکایات مصیبت‌نامه داشته‌اند، ذکر شده‌اند.

جدول ۲. شبکهٔ مضامین سیاست مدن در حکایات مصیبت‌نامه

ردیف	کلان‌مضمون	مضمون	زیرمضمون	مقاله/ حکایت
۱	عدالت‌ورزی	قوام‌پادشاهی	شاه باید رحیم باشد و داد ستمدیدگان را بدهد. ذلت شـــاه در جمع کردن مال و منال برای تداوم تخت‌نشینی خود است.	۱/۶ ـ ۱/۷ و ۲/۷ ـ ۹/۷
۲		رحمت و تلطف	شـــاه در تنعم و رعیت در سختی دور از عدالت است.	۲/۷ ـ ۵/۶
۳		دوری از ظلـــم و زور	به زور ســـتاندن اموال رعیـــت دوری از عدالت است. عاقبت شاهی ناعادلانه، عذاب اخروی است.	۳/۷ ـ ۴/۷ ـ ۵/۷ ـ ۶/۷ ـ ۱۰/۷ـ ۲/۱۳
۴		شاهِ گدا	شاه گدا صفت مستحق صدقه است.	۷/۷ و ۸/۷
۵		جمع دین و دنیا	نمی‌شـــود هم حب دنیا داشـــت و هم به دنبال محبت خدا بود.	۶/۹
۶	ساده‌زیستی	دلبستهٔ دنیا نبودن	رهین منت مردم نبودن ناپایداری ملک دنیا دلبستگی شاه به دنیا مذموم است. شاه نباید به دنبال گردآوری مال باشد.	۱۴/۰ ۱۲/۴ ۸/۱۱ ۲/۱۵ و ۳/۱۵
۷		دوری از رفاه‌زدگی	شاه نباید رفاه‌زده باشد. شاه را قناعت می‌بایست.	۶/۲۴ ۳/۲۴
۸		عاقبت‌نگری	شاه عاقبت‌اندیش باید. وابستگی به دنیا، آخرت به دنیا فروختن است.	۵/۱۶ ۳/۲۱ و ۶/۲۱
۹	بخشش و بخشایندگی	رحمت پادشـــاه نبایـــد تاجرانـــه و سودمحور باشد.	در بخشش باید به کرم خویش نگاه کند نه لیاقت فرد	۳/۶
۱۰		فضل شـــاه باید از غضبش ســـبقت داشته باشد.	حکومت‌داری نباید مبتنی بر ترس از حاکم باشد.	۴/۶
۱۱		رحمت شـــاه باید همه‌گیر باشد	حاکم در بخشیدن باید وسعت نظر داشته باشد.	۵/۶
۱۲		در هنگام پیروزی عفو عام باید داد.	شـــکرگزاری در برابر عطای پیروزی بخشـــش همگانی است.	۴/۳۴

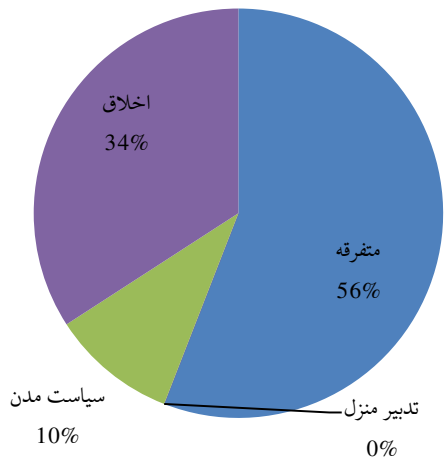
هرچه عطار در حوزهٔ تدبیر فردی امور زندگی و نیز سامان اجتماعی حیات سیاسی انسان حرف برای گفتن دارد، در امر تدبیر منزل ســـاکت مطلق است. از میان انبوه حکایات کتاب مصیبت‌نامه،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

در کدبندی ما این امکان نبود که هیچ حکایتی ذیل تدبیر منزل قرار بگیرد. برای این ســکوت مطلق عطار در حوزهٔ خانواده و منــزل می‌توان نظرات مختلفی ارائه کرد که البته هیچ‌کدام نمی‌تواند دقیقاً آن چیزی باشد که پاسخ سؤال است؛ اما ممکن است کوره‌راهی به دلیل اصلی کار عطار باشد.

یافته‌ها

آنچنان که آورده شــد، موضوع اخــلاق در مصیبت‌نامه درصد زیادی از حکایات را دربر می‌گیرد و به نســبت دیگر شقوق حکمت عملی، برجستگی و فراوانی بیشتری دارد. بررسی دلایل این فروانی برای ره‌جستن به اندیشهٔ اجتماعی عطار اهمیت زیادی دارد.



شکل ۱. شمای کلی مضمون‌های حکایات کتاب مصیبت‌نامه

برای فهم اهمیت جایگاه اخلاق در نظام اندیشــه‌ای عطار، باید ابتــدا جایگاه اخلاق در دین اســلام و منظومهٔ جهان‌بینی اســلامی عطار بررسی شــود تا به‌خوبی بتوان آن را تحلیل کرد. دین متشکل از سه عنصر اصلی است: عقاید، اخلاق و احکام.

مجموعهٔ تعالیم اسلام از یک لحاظ به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱. اصول عقاید؛ یعنی اموری که هر مسلمان باید بدان معتقد باشد. کاری که در این زمینه بر عهدهٔ خرد انسان است از نوع کار تحقیقی و از اعمال جوانحی و قلبی است.

۲، اخلاقیات؛ یعنی خصلت‌ها و ملکاتی که هر مســلمان باید خود را به آن‌ها بیاراید و خویشتن را از اضداد آن‌ها دور نگه دارد.

۳. احکام؛ یعنی دســتورهایی که به فعالیت‌های خارجی و عینی انســان اعــم از معاش و معاد و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

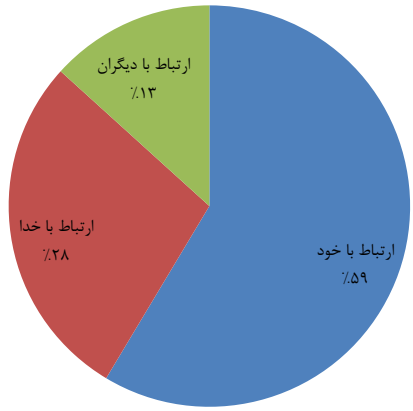
امور فردی و اجتماعی وی مربوط اســت. این ســه بخش خود نیز با یکدیگر مرتبط هستند؛ به این معنا که اعتقادات مناســب زمینه‌ســاز پیدایش اخلاق فاضله و اخلاق فاضله نیز با احکام و تکالیف شرعی مرتبط اســت و این رابطه سه‌جانبه است؛ یعنی عمل به تکالیف شرعی زمینه را برای دســتیابی به مراحل برتر اخلاق و به‌تبــع آن، مرتبهٔ بالاتری از اعتقاد فراهم می‌کند (کمالی شرودانی و موحدی، ۱۳۹۶: ص ۵۲).

بسیاری از صاحب‌نظران، دین را به درختی تشبیه کرده‌اند که عقاید به‌مثابه ریشه‌های آن، اخلاق به‌مثابه تنهٔ درخت و احکام میوه‌های آن است (ر.ک.: کمالی شرودانی و موحدی، ۱۳۹۶: ص ۵۳؛ مصباح یزدی، قبســات، ۱۳۷۸: ص ۳۲، شمارهٔ ۱۳؛ مطهری، ۱۳۸۰: ج ۵: ص ۲۰۱). ارتباط این سه با هم بســیار مستحکم و اثرگذار بر همدیگر اســت. هرچه عقاید انسان صحیح‌تر و محکم‌تر باشد، انســان اخلاقی‌تری است و هرچه اخلاقی‌تر باشــد، احکام و مقررات فردی و اجتماعی را بیشتر مراعات خواهد کرد؛ بنابراین، کنش و واکنش این‌ها بر هم باعث تقویت هر کدام خواهد شد.

در اندیشــهٔ اخلاقی اسلام، استناد اخلاق به اصول و مبادی دینی صرفاً به سبب ضرورت و کلیت اخلاق و یا حفظ پاکی و تعالی احکام و ارزش‌های اخلاقی نیســت، بلکه تحقق و دوام و اســتمرار اخلاق با اعتقاد به خدا کامل می‌شود و ایمان و یقینی که مایهٔ اطمینان و آرامش نفس برای عمل است شــرط ضروری است؛ بنابراین، اعتقاد به مبدأ متعالی و ایمان قلبی، اراده‌ای قوی به آدمی می‌بخشد تا زمینه‌ای برای رفتار متعالی باشد. ازاین‌رو، بنا گذاردن اخلاق بر اصول اعتقادی در تفکر اسلامی، تنها به این دلیل نیست که اخلاق، بخشی از تفکر دینی است، بلکه بدین معناست که ارزش‌های اخلاقی از اصول اعتقادی مدد می‌گیرند تا به اعتلای خود نائل شوند. اخلاق بدون زمینه‌های اعتقادی، ماهیتی ایستا و راکد یافته و پویایی آن در پرتو اتصال با دین است (اسماعیلی ایولی، ۱۳۹۵: ص ۱۸).

اخلاق اســلامی حیات خود را از عقاید اســلامی می‌گیرد. عقاید ریشــه‌ها و پایه‌های بنیادین و محکمی هســتند که در ناملایمات و تلاطم‌های روحی و جســمی برای افراد، منجربه ایستادگی و اســتحکام درونی آن‌ها می‌شــود. نمود و ظهور این عقاید در اخلاق است؛ یعنی هرآنچه انسان بخواهد از ایمان راســتین و عقاید استوار کسی بگوید، ناچار است که به حیطهٔ اخلاق او وارد شود و برای عینی‌شــدن مفاهیم از این حوزه کمک بگیرد. نماد و نمود متدین بودن یک انسان در اخلاق فردی و اجتماعی او نمودار می‌شــود؛ بنابراین، بدیهی اســت که حوزهٔ اخلاق در شرع اسلام بسیار درازدامن و وسیع است؛ چراکه ازسویی، بنای احکام و دستورات و مقررات اسلام متکی به آن است و ازسوی دیگر، نمود و بروز عقاید هر انسان در تحقق آن متجلی است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]



شکل ۲. شمای کلی شبکهٔ مضمون‌های اخلاقی

در مصیبت‌نامه نیز چنانچه دیده می‌شـود، از مجموع ۳۷۲ حکایت نقل‌شـده، ۱۲۷ حکایت در بخش اخلاق دسـته‌بندی شده اسـت و این یعنی اخلاق در حکمت عملی عطار جایگاه بسیار برجسـته‌ای دارد؛ مهم‌ترین دلیل آن نیز چنانچه آمد، اهمیت اخلاق در دین اسـلام اسـت. تشبیه اخلاق به تنهٔ درخت به‌خوبی نمایانگر اهمیت آن در میان دو بعد دیگر دین است.

ازطرف دیگر، باید این نکتهٔ مهم را مدنظر داشـت که در اندیشهٔ عطار، غایت سیاست و تدبیر امور سیاسـی رعایت عدالت اجتماعی است که خود به‌نوعی اخلاق است. عطار چهار مؤلفهٔ مهم عدالت‌ورزی، ساده‌زیسـتی، بخشـش و بخشـایندگی و نصیحت‌پذیری را در حوزهٔ سیاست مدن پراهمیت می‌داند که هر چهار مورد در حوزهٔ اخلاق قابل دسته‌بندی است؛ بنابراین، چندان عجیب نیسـت اگر بخش اخلاق در اندیشـهٔ عطار فربه‌تر از دیگر بخش‌ها آمده اسـت. نگرش عارفانه و زاهدانهٔ عطار به قدرت سیاسـی، روش‌های سیاسـت‌ورزی مدنظر او را نیز جنبهٔ اخلاقی و انسانی بخشـیده است. عطار ظلم‌ها و ستمگری‌های شاهان گذشـته و روزگار خود را با صریح‌ترین زبان ممکن به نقد می‌کشـد و بی‌اخلاقی‌های آن‌ها را بازنمایی می‌کنـد. ازطرف دیگر، با دفاع از منش حکمرانی عادلانه، باز هم فضیلت اجتماعی «عدالت» گوهرهٔ جان اندیشه‌های سیاسی اوست. این رویکرد مبتنی‌بر نگاهی توحیدی اسـت که صرفاً در جهان‌بینی الهی معنی‌دار می‌شود و با رویکرد دنیامدارانه تفاوتی بنیادی دارد.

دربارهٔ نسبت اخلاق و سیاست در علوم سیاسی دیدگاه‌های بسیار متنوعی وجود دارد. افلاطون در «رسالهٔ جمهور» خود مهم‌ترین هدف حکمران را سعادت و سلامت اخلاقی جامعه ذکر می‌کند و اعتقاد راسخ دارد که سعادت بشری به‌نحو چشمگیری با اخلاق گره خورده است. ارسطو، شاگرد

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

مبرز افلاطون نیز در کنار رسالهٔ «سیاست»، چند رساله به نام‌های «اخلاق نیکوماخوس»، «اخلاق اودم» و «اخلاق کبیر» در پیوند اخلاق نوشته است. به عقیدهٔ این دو متفکر، وظیفهٔ حکومت چیزی جز پروراندن فضایل اخلاقی بین شـــهروندان نیســـت. بر همین اساس، افلاطون از وجود فردی که صاحب علم و فضیلت اســـت، یعنی فیلسوف شـــاه در رأس جامعهٔ سیاسی و دولت آرمانی خود، یعنی مدینهٔ فاضله ســـخن می‌گوید و امروزه نیز در باب اخلاق سیاسی ده‌ها کتاب در غرب نوشته می‌شود (ملکیان، ۱۳۸۷: ص ۳۰).

برخی صاحب‌نظران دیگر مانند ماکیاولی معتقدند حوزهٔ اخلاق و سیاســـت با هم تباین دارند و چون نهاد سیاســـت ذاتاً فاسد اســـت و دلیل موفقیت آن هم همین فساد اوست، جمع‌کردن آن با اخلاق ممکن نیست. استاد ملکیان با طرح دیدگاه طرفداران ماکیاولی، آن‌ها را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد و درنهایت، رأی بدان می‌دهد که بین نهاد سیاســـت و نهاد اخلاق هیچ تباین و تضادی وجود ندارد (ملکیان، ۱۳۸۷: صص ۳۵-۳۰).

به‌طورکلی، به عقیدهٔ اندیشمندان اســـلامی، ویژگی‌های عمدهٔ سیاست اسلامی عبارت‌اند از: ترغیب مردم به شناســـایی خداوند و قدرت لایزال او، کســـب علم و دانش، تهذیب اخلاق و تزکیهٔ نفس و اســـتقرار مساوات و مواســـات بین افراد و رسیدن به مرز صلح و آرامش‌خاطر و یافتن لیاقت به‌عنوان خلیفهٔ الهی در زمین (خراســـانی، ۱۳۸۳: ص ۲۰). همان‌طور که دیده می‌شـــود، در نگاه اســـلامی رابطهٔ اخلاق و سیاســـت در هم تنیده و اساساً سیاســـت ابزاری برای تحقق فضیلت‌های اخلاقی فردی و اجتماعی است.

خروجی تحلیل دیدگاه‌های سیاســـی عطار در این کتاب، نشان از چهار مؤلفهٔ مهم دارد که هر چهار مورد را می‌توان در حیطهٔ اخلاق دسته‌بندی کرد؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه گفت که حکمرانی سیاســـی از دیدگاه عطار باید اخلاق‌پایه و در جهت تحقق عدالت در جامعهٔ اسلامی باشد. از میان ۳۵ حکایتی که در این کتاب ذیل سیاســـت مدن آمده اســـت، ۱۴ حکایـــت، یعنی اندکی کمتر از نصف حکایات، به موضوع عدالت اجتماعی پرداخته اســـت؛ بنابراین، فضیلت عدالت را می‌توان مهم‌ترین هدف در اندیشهٔ سیاسی عطار دانست.

بنابراین، رویکرد کلی اندیشهٔ سیاسی عطار، رویکردی اخلاق‌گرایانه است که ازسویی تهذیب اخلاق را لازمهٔ مهمی برای حکمران سیاســـی می‌داند و ازطرف دیگر، اجرای عدالت به‌عنوان یک فضیلـــت اجتماعی را غایـــت حکمرانی دینی می‌داند. این دو وجه نشـــان می‌دهد که رویکرد کلی اندیشهٔ سیاسی عطار اخلاق‌پایه و اخلاق‌مدارانه است.

پیش از عطار، بســـیاری از اندیشـــمندان اســـلامی بر بعد عدالت در حکمرانی سیاسی دست

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

نهاده‌اند. ابن‌مسکویه (وفات ۱۰۳۰ م.) یکی از مهم‌ترین اندیشمندان اسلامی است که مهم‌ترین نظریهٔ سیاسی او را «نظریهٔ عدالت» دانسته‌اند. (یاسین، بی‌تا: ص ۵۵۸). همچنین، خواجه نصیرالدین طوسی، اندیشمند بزرگ دیگری است که موضوع عدالت در اندیشهٔ سیاسی او برجستگی زیادی دارد. خواجه نصیرالدین طوسی رسیدن به کمال و سعادت را تنها در سایهٔ حکمرانی عادلانه و رهبری عدالت‌پیشه مقدور می‌داند و معتقد است تنها در چنین جامعه‌ای است که انسان به سعادت دنیا و آخرت دست می‌یابد (خراسانی، ۱۳۸۳: ص ۱۲۴).

جانبداری عطار در عدالت‌خواهی، تنها در نصیحت مشفقانهٔ شاهان و حاکمان نیست. عطار با شخصیت‌پردازی ماهرانه، جانبدارانه سمت و سوی فقرا را می‌گیرد. عطار به‌وضوح در لحن حکایات خود، جانب فقرا و دیوانگانی را می‌گیرد که نان برای خوردن ندارند و پوشاکی برای به تن کردن؛ اما در برابر حکام روزگارشان تندزبان و تیزگو هستند. لحن آمرانهٔ آن‌ها در برابر این حکام، نشان از آن دارد که در نظام اندیشهٔ سیاسی عطار، پابرهنگان و اقشار مستضعف جامعه نه‌تنها نباید در حاشیهٔ روندهای سیاسی باشند، بلکه باید در بطن کنش‌های سیاسی باشند. شخصیت‌دادن به اقشار محروم جامعه و بلندگوی سخنان آنان شدن و نهراسیدن از عواقب خطرناک نقدهای تند زبانی و عملی، خود نوعی عدالتخواهی اعتراضی است که عطار به‌خوبی در آثار خود آن را بیان می‌کند.

بنابراین، تدبیر مدن از دیدگاه عطار یک شاه‌کلید اصلی دارد که اجرای عدالت است و یک الزام حکمرانی دارد که تهذیب نفس پادشاه است. ویژگی‌هایی که عطار برای شاه عادل بیان می‌کند نشان از آن دارد که در اندیشهٔ سیاسی او کسی می‌تواند به تخت حکمرانی سیاسی تکیه بزند که ابتدا خصایص برجستهٔ اخلاقی را در خود نهادینه کرده باشد، در رابطهٔ خود با خدا و خلق رعایت جوانب اخلاقی را مدنظر داشته باشد و در حکمرانی خود، نه‌تنها به دنبال کسب قدرت فردی و جناحی نباشد، بلکه باید همهٔ همت خود را مصروف اجرای عدالت اجتماعی کند.

پس شاه‌کلید اجرای اندیشهٔ سیاسی عطار، اجرای عدالت اجتماعی است. تنها در سایهٔ اجرای عدالت اجتماعی است که زرمداران و زورمندان نمی‌توانند به طبقات فرودست ظلم کنند و طبقات فرودست نیز بدون هیچ لکنت زبانی می‌توانند حقوق خود را از شاهان و امیران جامعهٔ اسلامی ایفاد کنند.

اینکه چرا عدالت این‌طور در ذهن عطار مطالبه‌ای گران‌وزن است به این بازمی‌گردد که «بی‌عدالتی» در روزگار او بیداد می‌کند. در تاریخ بیهق تنها یک چشمه از آنچه عطار به چشم خویش دیده است را چنین می‌خوانیم: «قتل و کشتار بسیار از شمار مردمان و ساکنان خراسان

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

است. در بعضی قصبه‌ها شماره مردم از هزار تن به هفده تن رسید... دو بهر از مردم در این سال سر ناحیت بیهق هلاک شـــدند، در دیه راز هزار شخص بود، هفده مرد بیش نماند و بعد از این... قحط و وبا افتاد، طعام عزیز شد، چنین حکایت کردند که روز بود که زیادت از پنجاه جنازه به مقابر نقل می‌کردند» (بیهقی، بی‌تا: ص ۲۷۱).

در روزگاری چنین مضطرب و هراسناک، شعر عطار آینهٔ مطالبهٔ عدالت است. هیچ‌چیز به قدر عدالت در این وانفسای عجیب نمی‌توانست مردم مظلوم روزگار شاعر را نجات بخشد.

نتیجه‌گیری

حکمت عصارهٔ جان هر فرهنگی اســـت و فرهنگ ایرانی اسلامی مملو از اندیشه‌های حکیمانه‌ای اســـت که با تبیین و تحلیل آن‌ها باید این گوهر گران‌بها را حفظ کرد و به‌دســـت نســـل آینده سپرد. عطار نیشـــابوری به‌عنوان حکیمی عارف، ازجمله اندیشمندان صاحب‌نظری است که دیدگاه‌های حکمی او دربارهٔ موضوعات مختلف شایان بررسی و امعان‌نظر است. این پژوهش تلاشی است در راستای تبیین دیدگاه‌های حکمی عطار دربارهٔ سامان زندگی فردی و اجتماعی انسان. روش پژوهش تحلیل مضمون حکایات کتاب مصیبت‌نامه بوده اســـت. طبق بررسی‌ها، درمجموع در این کتاب ۳۷۲ حکایت نقل شده اســـت که ۱۲۷ حکایت در بخش اخلاق، ۳۷ حکایت در بخش سیاست مدن و بقیهٔ حکایات به عناوین متفرقه (غیرمرتبط با تحقیق حاضر) کدگذاری شـــده‌اند. اخلاق در میان ســـه بخش دیگر، بیشـــترین فربهی را دارد؛ یکی بدان دلیل که اخـــلاق تنهٔ اصلی درخت دین اســـت و دوم اینکه عرفان اساســـاً رویکردی اخلاق‌مدارانه به امور دنیا دارد. ۱۲۷ حکایت در حوزهٔ اخلاق دســـته‌بندی شده اســـت که خود آن ذیل سه فصل چهارچوب‌بندی شـــده است: ۱. ارتباط بـــا خدا، ۲. ارتباط بـــا دیگران، ۳. ارتباط با خود. حکایات عطار دربـــارهٔ تدبیر منزل، نتیجهٔ مهمی به‌دست نمی‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که لااقل در این کتاب، حوزهٔ تدبیر منزل برای عطار درجهٔ اهمیت زیادی نداشـــته است. در حوزهٔ تدبیر امور سیاســـی و حکمرانی، عطار چهار شاخصهٔ مهم را برای حاکم جامعهٔ اســـلامی واجب می‌شـــمارد: ۱. عدالت‌ورزی، ۲. ساده‌زیستی، ۳. بخشش و بخشـــودگی، ۴. نصیحت‌پذیری. عطار در حوزهٔ سیاست مدن هم در مقام یک حکیم، تجویزهای سیاسی دارد و خود به‌عنوان یک کنشگر سیاسی‌ـاجتماعی، تندترین انتقادات را متوجه حکومت‌های زمانهٔ خـــود می‌کند. رویکرد کلی عطار در دیدگاه‌های سیاســـی، رویکردی اخلاق‌گرایانه با هدف بسط عدالت اجتماعی است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

کتابنامه

۱. ابراهیم‌پور، زهرا. ۱۳۸۹. «بررسی عناصر طنزآمیز در کلام سعدی و ذکر پاره‌ای از نکات روان‌شناسی». **نامهٔ پارسی**. شمارهٔ ۵۲. صص ۲۴-۵.

۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. ۱۳۷۹. **شعاع اندیشه و شهود در فلسفهٔ سهروردی**. تهران: انتشارات حکمت.

۳. ابن‌سینا، حسین. ۱۳۸۳. **رساله النفس**. با مقدمه و حواشی دکتر موسی عمید. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

۴. احمدی، احمد. بی‌تا. «سهروردی و حکمت عملی». **مجموعه مقالات کنگرهٔ بین‌المللی شیخ اشراق**. پایگاه مقالات ایران داک.

۵. ارسطو. ۱۳۷۷. **اخلاق نیکوماخوس**. ترجمهٔ محمدحسن لطفی. تهران: طرح نو.

۶. اسماعیلی ایولی، علی. ۱۳۹۵. «**حکمت در اخلاق اسلامی، چیستی، جایگاه، تبارشناسی و قلمرو**». رسالهٔ دکتری. دانشگاه معارف اسلامی قم.

۷. اکبریان، رضا. ۱۳۸۰. «فلسفهٔ عملی در حکمت متعالیه ملاصدرا». **مجله خردنامه صدرا**. شماره ۲۶. صص ۵۴-۴۴.

۸. الاهوانی، فؤاد. ۱۳۹۱. «نظریهٔ سیاسی ابن‌سینا». ترجمهٔ محمد فیروزکوهی. **مجموعه مقالات حکمت عملی شیخ‌الرئیس**. بنیاد علمی‌ـفرهنگی بوعلی سینا.

۹. بخشی، مجید. ۱۳۹۸. «**بازخوانی ماهیت حکمت عملی در حکمت اشراقی سهروردی براساس الگوی پیر آدو**». پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. دانشکدهٔ الهیات، معارف اسلامی و ارشاد.

۱۰. بنیاد حکمت صدرا. ۱۳۸۴. **مجموعه مقالات ملاصدرا و حکمت عملی**. تهران: بنیاد حکمت صدرا.

۱۱. بهشتی، احمد. ۱۳۸۴. «سیاست و شریعت در حکمت صدرایی». **مجموعه مقلات ملاصدرا و حکمت عملی**. تهران: بنیاد حکمت صدرا.

۱۲. بیهقی، علی‌بن زید. بی‌تا. **تاریخ بیهق**. با تصحیح احمد بهمنیار. تهران: فروغی. چاپ دوم.

۱۳. پورنامداریان، تقی. ۱۳۸۲. **دیدار با سیمرغ**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

۱۴. حسینی‌نیا، اقبال. ۱۳۸۶. **زمزم هدایت**. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

۱۵. خامنه‌ای، سید محمد. ۱۳۹۰. «ملاصدرا و حکمت عملی». **مجلهٔ خردنامهٔ صدرا**. زمستان. شمارهٔ ۶۶. صص ۱۲ـ۵.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

۱۶. خراسانی، رضا. ۱۳۸۳. **اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام**. قم: بوستان کتاب.
۱۷. داوری اردکانی، رضا. ۱۳۴۸. «طرح مسائل مربوط به انتقال فلسفهٔ یونان به عالم اسلامی و تأثیر افلاطون و ارسطو در حکمت عملی فارابی». **معارف اسلامی (سازمان اوقاف)**. فروردین ۱۳۴۸. شمارهٔ ۸. صص ۱۱۲ـ۱۰۶.
۱۸. ـــــــــــــــ ۱۳۵۴. **فلسفهٔ مدنی فارابی**. تهران: چاپ زر.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۶۲. **مجموعه مقالات**. تهران: تیراژه.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد. ۱۳۸۵. **المفردات فی غریب القرآن**. بیروت: بینا.
۲۱. روحانی، حسن. ۱۳۹۱. **اندیشه‌های سیاسی اسلام**. جلد ۱. تهران: انتشارات کمیل.
۲۲. زرگران، ایمان. ۱۳۹۳. «**تحلیل و بررسی تطبیقی رسایل فارسی سهروردی و دیوان حافظ**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. رشته زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. سهروردی، شهاب‌الدین. ۱۳۷۵. **مجموعه مصنفات شیخ اشراق**. به تصحیح و مقدمهٔ هانری کربن و سیدحسین نصر. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۴. شریف، میان‌محمد. بی‌تا. **تاریخ فلسفه در اسلام**. جلد ۲. تهیه و گردآوری ترجمهٔ فارسی زیرنظر نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۵. شریفی، حسام الدین؛ برادران مظفری، منصوره؛ معلمی، حسن . ۱۳۹۷. «جایگاه و روش‌شناسی حکمت عملی از دیدگاه فارابی». **حکمت اسلامی**. سال پنجم. شماره اول. صص ۱۲۴-۱۰۵.
۲۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۸. **ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما**. ترجمهٔ حجت‌الله اصیل. تهران: نشر نی.
۲۷. طوسی، خواجه نصرالدین. بی‌تا. **اخلاق ناصری**. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
۲۸. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد. ۱۳۹۰. «تحلیل مضمون و شبکهٔ مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». **اندیشهٔ مدیریت راهبردی**. سال پنجم. شمارهٔ دوم. پاییز و زمستان. شمارهٔ پیاپی ۱۰. صص ۱۹۸ـ۱۵۱.
۲۹. عبدالحمید، ابوالحمد. ۱۳۶۵. **مبانی سیاست**. تهران: انتشارات توس.
۳۰. عطار نیشابوری، فریدالدین محمدبن ابراهیم. ۱۳۸۶. **مصیبت‌نامه**. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

۳۱. ـــ ۱۳۸۹. **منطق‌الطیـــر**. تصحیـــح دکتر شفیعی کدکنی. تهران: نشر سخن.
۳۲. ـــ ۱۳۹۰. **منطق‌الطیـــر**. تصحیـــح پورنامداریان و عابدی. تهران: سمت.
۳۳. ـــ ۱۳۹۷. **تذکرةالاولیا**. ج ۱. تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
۳۴. غزالی، محمد. ۱۳۱۷. **نصیحةالملوک**. تصحیح جلال الدین همایی. تهران: دانشگاه تهران.
۳۵. فایدئی، اکبر. ۱۳۹۲. «نقش مشـــائیان مســـلمان در تحول و توسعهٔ منطق ارسطویی». **نشریهٔ تاریخ فلسفه**. سال چهارم. شمارهٔ ۱. صص ۱۱۲ـ۹۵.
۳۶. فدایی عراقی، غلامرضا. ۱۳۸۹. «جایگاه حکمت عملی در تاریخ فلســـفه اسلامی». **مجلهٔ تاریخ فلسفه**. سال اول. شمارهٔ ۲. صص ۷۶ـ۵۳.
۳۷. فنا، فاطمه. ۱۳۹۷. «سیاست مدن». **نشریهٔ دانشنامهٔ جهان اسلام**. شمارهٔ ۲۵. صص ۴۱۷ـ۴۱۳.
۳۸. قرشی، علی‌اکبر. ۱۳۵۲. **قاموس قرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ ششم.
۳۹. کمالی شرودانی، علی‌اکبر؛ موحدی محب، عبداله. ۱۳۹۶. «بررسی رابطهٔ مؤلفه‌های عقایـــد، اخلاق و احکام در معارف علوی (ع)»، **پژوهش‌های نهج‌البلاغه**. تابســـتان ۱۳۹۶. دورهٔ ۱۶. شمارهٔ ۵۳. صص ۶۳ـ۵۱.
۴۰. لگنهـــاوزن، محمد. ۱۳۷۳. حکمت عملی. ترجمهٔ بیـــژن بهادروند. **کیهان فرهنگی**. شماره ۱۰۸ . صص ۱۳-۱۰.
۴۱. مجلسی، محمدتقی. بی‌تا. **بحارالانوار**. جلد ۳۲. بی‌جا: بی‌نا.
۴۲. محمودی، خســـرو. ۱۳۹۶. «**بررســـی حکمت عملی در کلیلـــه و دمنه**». پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۸. «دین و اخلاق». **قبســـات**. دوره چهارم. شماره۱۳. صص ۳۷-۳۰.
۴۴. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۰. **آشنایی با قرآن**. جلد ۵، تهران: بینش مطهر.
۴۵. ملکیان، مصطفی. ۱۳۸۷. «اخلاق و سیاســـت». **بازتاب اندیشه**. شمارهٔ ۱۰۲. صص ۳۹ـ۳۲.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]

۴۶. میرباقری، سـید محمدمهدی. ۱۳۸۷. «عقل عملی در حکمت اسلامی». **مجلهٔ پگاه حوزه**. شمارهٔ ۲۳۸.
۴۷. ندری ابیانه، فرشـته. ۱۳۸۴. «جایگاه عقل در تئـوری اخلاقی ملاصدرا». **مجموعه مقالات ملاصدرا و حکمت عملی**. تهران: بنیاد حکمت صدرا.
۴۸. نصر، سیدحسین؛ لیمن، الیور. ۱۳۸۹. **تاریخ فلسفهٔ اسلامی**. جلد ۱. تهران: مؤسسهٔ انتشارات حکمت.
۴۹. نصیرالدیـن طوسـی، محمدبن محمد. بی‌تـا. **اخلاق ناصری**. تهران: ناشـر علمیه اسلامیه.
۵۰. یاسـین علی محمد، بی‌تا. عدالت از دیدگاه فلسـفهٔ اسلامی: نگرش مسکویه و راغب اصفهانـی. ترجمه بهـروز جندقی. **مجموعـه مقالات مبانی نظری حقوق بشـر**. صص ۵۸۰-۵۵۳.
۵۱. یوسفی، غلامحسین. ۱۳۵۷. **دیداری با اهل قلم**. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.5.2]